

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه دوازدهم - درس سوّم - جهان علیّ و معلولی

علیت ← رابطه‌ی معلول با علت خویش
علت ← چیزی که وجود معلول متوقف بر آن است
معلول ← در وجود به علت نیازمند است

علیت ← یک رابطه‌ی وجودی ← یعنی در آن رابطه وجود داد و ستد می‌شود
ک ← علت وجود می‌دهد - معلول وجود می‌گیرد

کلیه‌ی چرا؟ ← سوال از علت است

تلاش برای فهم بهتر علّیت

انقسام رابطه‌ی بین موجودات

همیش در این رابطه ایحاد
رابطه بعد از وجود دو طرف
است

۱- روابط بعد از وجود

رابطه فرع بر وجود است

مانند رابطه‌ی نظم - انکاء - جاذبه و ...

۲- رابطه‌ی حسن وجود ← فقط رابطه‌ی علّیت است

✓ رابطه‌ی علّیت درست هنگام وجود یافتن یک طرف (معلول)

بین علت و معلول برقرار می‌شود

۲- انسان چگونه رابطه‌ی علیت را درک می‌کند؟

آیا می‌توان قضیه « هر معلولی علت دارد » را از طریق عقل یا تجربه ثابت کرد؟

پاسخ ← خیر

پس چگونه است که همه انسان‌ها این اصل را پذیرفته‌اند؟

نظر دکارت ← درک علیت تجربه‌ی نیست. (الکساپی نیست)
← علیت فطری است

نظر تجربه‌گرایان ← درک علیت از طریق مشاهدات حسی است

وقتی انسان توالی حادثه‌ها را می‌بیند
بین آن‌ها رابطه‌ی علیت را درک می‌کند

علیت ناشی از رویت توالی دو حادثه‌ی پشت سر هم است
صفتی توسط انسان ساخته می‌شود

دیوید هیوم ← علیت و درک آن از طریق تجربه امکان پذیر نیست

← مفهومی فرا تدریجی است

← ناشی از تدریجی ذهنی است ← ذهن با مشاهده حوادث

پی‌درپی رابطه‌ی علیت را نزد خود می‌سازد و بنا می‌زند

← علیت یک عادت ذهنی است

← ما عادت کرده‌ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم

نظر کانت ← علیّت از مفاهیم پایه‌ای ذهن است

← اکتسابی نیست

← انسان مفهوم علت و معلول را در خود دارد.

اگر انسان یک شیء را علت و شیء دیگر را معلول می‌بیند ← این دیدن در ذهن است

↓
سوپرژکتیو

و اینکه انسان در عالم واقع درک می‌کند که چیزی

از چیز دیگر بوجود آمده ← عینی و خارجی است

← اُنترژکتیو

← مانند دیدن تکان خوردن درخت هنگام وزش باد

دیدگاه فلاسفه مسلمان ← علیّت یک قاعده عقلی است

← تمام قوانین تجربی بر این قانون استوار است

مراحل حرکت انسان برای درک علیّت در روابط موجودات

۱- شکل‌گیری ذهن انسان

۲- درک قانون کلی و عقلی ← اجماع نقیضین محال است

۳- درک قانون کلی و عقلی ← ترجیح بلا مرجح محال است

۴- درک قانون عقلی و کلی ← هر معلولی علت دارد

۵- درک رابطه‌ی عینی و معلولی بین پدیده‌ها در عالم واقع

توضیح ← فرض کنیم معلولی (یا موجودی) پایه‌ی عصری وجود داشته است

و علتی بیرون از خودش ندارد ← این یعنی اینکه

↓
خودش خودش را بوجود آورده است

۲- این فرض محال است چون؛ ← شی در یک زمان باید اول

باشد تا خودش را بوجود آورد، و در همان زمان باید نباشد تا
بوجود آید ← یعنی در یک زمان هم باشد و هم نباشد

← این تناقض است و محال

۳- مگر من شود شی، وجودش بر نبودش ترجیح پیدا کند اما عاملی

در بیرون از خودش، عامل این ترجیح نباشد

← یعنی ترجیح بلا مرجح محال است

۴- پس نمی شود گفت معلولی بوجود آمده اما علتی بیرون از خودش ندارد

← یعنی هر معلولی علت دارد

پس از درک علت توسط ذهن و عقل ← ما این قانون را به هم می روایم

عینی در عالم خارج سرایت می دهد.

ابن سینا ← علت یک قانون تجربی نیست و درک آن از طریق تجربه

امکان پذیر نیست ← اما کشف علل طبیعی امور بوسیله

حس و تجربه است

اصل سنخیت ← هر معلولی علت خاص و معین دارد

← هر علتی فقط معلولی خاص و هم سنخ خود را بوجود می آورد

← یعنی در جهان هیچ و مرج نیست ← نظام معین حاکم است

← یعنی از هر شی با ویژگی های خاص خودش آثار خاصی متناسب با آن
ویژگی ها انتظار داریم

با این اصل نظم دقیق نظام خلقت پستوانه عقلی دارد

← با این اصل دانشمندان تحقیقات علمی خود را پی گیری می کنند

← این اصل جهت دهنده است ← یعنی مسیر را نشان می دهد که دانشمند

بی راهه نرود ← از میری معین حرکت کند

نکته ۲ در بررس صفحه ۲۰ ← جواز تعمیم موارد تجربه شده در آزمایشات علوم تجربی
به موارد دیگر به مدد قانون علیت و اصل یکنواختی
عمل کردن طبیعت است.

اصل وجوب علی و معلولی ← علت قبل از اینکه معلول را بوجود بیاورد ابتدا

وجودش را واجب می کند پس آنرا بوجود می آورد

یعنی با آمدن علت ابتدا وجود معلول ضرورت پیدا می کند و همزمان بوجود می آید

← با آمدن علت معلول نمی تواند نیاید ← یعنی تعلق معلول از علت تامه

خوشی محال است

← تعلق ناپذیری و حتمیت در نظام هستی ← نتیجه ای اصل ضرورت است

← شی ممکن الوجود دارای امکان ذاتی است یعنی نیست به وجود و عدم حالتی

تساوی دارد ← با آمدن علت تامه از حالت تساوی خارج می شود و بواسطه

علت خوشی واجب الوجود می شود ← واجب الوجود بالغیر